

تأثیر جنگ هیبریدی ایالات متحده آمریکا و جمهوری اسلامی ایران

بر امنیت خاورمیانه (۲۰۱۵-۲۰۲۴)

مجتبی چناری^۱ | حسین کریمی فرد^۲ | فریدون اکبرزاده^۳ | شهرام فتاحی^۴

چکیده

روابط ایالات متحده و جمهوری اسلامی ایران از زمان انقلاب اسلامی به شدت تیره شد و خصومت‌ها میان دو کشور آشکار گردید. با افزایش قدرت ایران و اهمیت استراتژیک منطقه خاورمیانه، کشورهای مختلف و مردم این منطقه تحت تأثیر سیاست‌های دو طرف قرار گرفته و به عنوان همکار یا هم‌پیمان در این منازعه نقش‌آفرینی کرده‌اند. در حال حاضر، مدل جدید جنگی، یعنی جنگ هیبریدی، که ترکیبی از جنگ‌های نظامی، شورش‌ها، تروریسم، جنگ روانی، سایبری، اقتصادی و رسانه‌ای است، در حال پیشرفت است. این پژوهش سوال این است که تأثیر این تنازع بر کشورهای منطقه و نقش آن‌ها در جنگ هیبریدی آمریکا و ایران چیست؟ روش تحقیق نوشتار حاضر توصیفی-تبیینی و داده‌ها با استفاده از روش کتابخانه‌ای گردآوری شده‌اند، فرضیه این است که تغییر جغرافیای منازعه فی‌مابین آمریکا و ایران به خاورمیانه موجب سهیم شدن کشورهای منطقه در این جنگ شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که هر دو کشور با ابزارهای جنگ هیبریدی، بر سیاست‌ها و بحران‌های منطقه تأثیرگذارند و گاه از کشور ثالث برای ضربه‌زدن به یکدیگر استفاده می‌کنند.

کلیدواژه‌ها: ایران، آمریکا، جنگ، جنگ هیبریدی، امنیت، خاورمیانه.

۱. دانشجوی دکتری، گروه علوم سیاسی، رشته روابط بین الملل، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران.

۲. دانشیار، گروه علوم سیاسی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران. (نویسنده مسئول)

Email:hkarimifard@yahoo.com

۳. استادیار، گروه علوم سیاسی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران.

۴. استادیار، گروه روابط بین الملل، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران.

بیان مسئله

ایالات متحده آمریکا در دوران بعد از جنگ جهانی دوم به دنبال گسترش هژمونی خود بر کل جهان از جمله ایران بوده است. این کشور از زمان پیروزی انقلاب اسلامی همواره از راهبردهای متفاوت و زیادی از جمله جنگ هیبریدی (ترکیبی) بر علیه ایران استفاده کرده است تا بتواند رفتار و یا حکومت حاکم بر کشور را تغییر دهد.

جنگ های کلاسیک نظامی به تدریج و پس از طی مراحل از تکامل به سمت مؤلفه های اقتصادی، تبلیغاتی، سیاسی و دیپلماتیک، رسانه ای و عملیات روانی، سایبری، اطلاعاتی و نامتقارن و روش های نوین حرکت کرده اند. امروزه با بکارگیری ابعاد و لایه های جدید جنگی در منازعات و رقابت های منطقه ای و بین المللی شاهد گستره وسیعی از کارکرد جنگ هیبریدی هستیم که بنا به شرایط منازعه، یکی از همین ابعاد جنگی در اولویت قرار می گیرد.

ایالات متحده در دهه اول قرن جدید به دلیل بحران های اقتصادی و تکیه بر دو جنگ بزرگ در عراق و افغانستان، استراتژی اصلی و جهانی خود را بر جنگ نیابتی - تروریستی قرار داد تا حفظ یا گسترش هژمونی خود در غرب آسیا را از طریق سازمان های فراملیتی و حتی تروریستی امکان پذیر نماید و همچنین، کشورهای منطقه را تا حد زیادی مدیریت و در اختیار گیرد. همین رویکرد راهبردی موجب شد تا جبهه مقابل این پروژه، با تولید فرصت از این تهدید، بینش راهبردی خود را ارتقا داده و قدرت کمی و کیفی خود را در تراز تهدید و روش های راهبردی آمریکا و غرب و متحدانش تکامل بخشید. در رقابت و مواجهه راهبرد آمریکا (و غرب) با ایران، استراتژی جنگ مستقیم، در صدر ابزار و اولویت نیست و جنگ نیابتی و لایه های دیگر جنگ هیبریدی در میدان جنگ مشاهده می شوند. در این راستا، ایالات متحده، مرزهای امن خود را گسترش روابط با تعدادی از کشورهای پیرامونی ایران، برای گسترش مانور عملیاتی دانست که حاصل دو دهه تلاش پنهان و آشکار اطلاعاتی و دیپلماتیک بوده است. گسترش مرزهای امنیتی، مزیت های جدیدی در دسترسی دریایی، هوایی و نزدیکی جغرافیایی و بهره مندی از پوشش حضور در این کشورها برای اقدامات اطلاعاتی امنیتی،

سایبری، عملیات روانی و احتمالاً ضربات محدود نظامی را فراهم کرده است. نماد این ظرفیت‌سازی راهبردی را می‌توان در اقدامات تروریستی و تخریب‌های هوشمند در داخل ایران، یا جنگ نفت‌کش‌ها، یا اختلال الکترونیکی و مخابراتی، حملات سایبری و نهایتاً محدود کردن مرزهای امنیتی ایران می‌توان برشمرد.

حال آمریکا با استفاده ابعاد مختلف جنگ هیبریدی در کنار یکدیگر در حال حاضر به دنبال تغییر رفتار ایران در موضوعات منطقه‌ای، تحمیل هزینه‌های این جنگ به کشورهای متحدش در منطقه و با استفاده از روش‌های مدرن می‌باشد. از سوی دیگر جمهوری اسلامی ایران نیز با همین روش در قامت یک قدرت منطقه‌ای به مقابله با آن پرداخته است. این تقابل تأثیر مستقیم بر کشورهای منطقه داشته و حتی نقش آفرینی آنها در این جبهه‌بندی ملموس می‌باشد. حال این پژوهش در پی آن است که تا تأثیر این تقابل بر کشورهای منطقه را بررسی نماید و راهکارهای تقویت توان کشور را در این راستا ارائه دهد.

مبانی نظری

چارچوب مفهومی

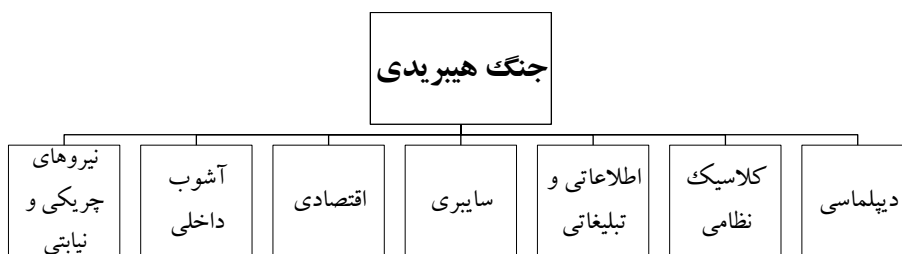
جنگ هیبریدی

جنگ را براساس تعریفی که کوئینی ارائه کرده «سازمان دادن و به‌کارگیری نیروهای مسلح برای انجام مقصود است.» (شیرودی، ۱۳۸۴) با حرکت کشورهای مختلف به سمت جنگ هیبریدی، گویی این تعریف دستخوش تغییر شده است. در جنگ ترکیبی، اقدامات مسلحانه، خشونت شدید و تلفات جانی هدف اصلی نیست، بلکه مؤلفه‌های متعددی عمل خواهند کرد.

آنچه مسلم است به علت پیچیدگی و تنوع ابزارها، کنش‌ها و واکنش‌ها در جنگ هیبریدی تعریف واحدی از آن موجود نیست. هرگاه ترکیبی از مؤلفه‌های ذیل‌الذکر مورد استفاده قرار گیرد، جنگ هیبریدی در جریان است. ترکیبی از عملیات نظامی، دیپلماتیک، سایبری و اطلاعاتی تشکیل دهنده جنگ هیبریدی است. جنگ‌های پیچیده پرابهام، پرابزار و متنوع از ویژگی‌های جنگ هیبریدی است.

آنچه مدل هیبریدی تنش را از سایر مدل‌ها مجزا می‌کند، شیوه‌ای است که از طریق آن خطوط بین جنگ و صلح را مبهم می‌کند. تاکنون تعریف مشخصی از جنگ‌های هیبریدی بیان نشده است چرا که حدود مشخصی برای آن مشخص نیست. (جولانی، ۱۳۹۸: ۳۲)

تا قبل از پایان جنگ سرد مثلث سستی جنگ یعنی حکومت، قدرت نظامی و مردم مطرح بود؛ اما در جنگ هیبریدی از ابزارهایی همچون جنگ دیپلماتیک، نیروهای ویژه، نیروهای نامنظم و چریکی، جنگ‌های کلاسیک نظامی، جنگ اطلاعاتی و تبلیغاتی، حمله سایبری، جنگ اقتصادی، حمایت از آشوب‌های داخلی استفاده می‌گردد.



جنگ هیبریدی به دنبال تغییر تعریف جنگ‌های مستقیم نیست بلکه ترکیبی از انواع جنگ‌ها را در کنار هم می‌بیند. در این تعریف جنگ‌های مستقیم جزئی از جنگ هیبریدی است. یکی از تفاوت‌های جنگ هیبریدی با جنگ‌های کلاسیک در میزان نوع و شدت تلفات است. در جنگ‌های مستقیم تلفات جانی بسیار متداول است اما در جنگ‌های هیبریدی احتمال دارد که با حمله سایبری یکی از نهادهای کشور هدف مورد حمله قرار گیرد. در جنگ‌های اقتصادی امکان دارد فقر، تورم، بیکاری و رکود در جامعه هدف فراگیر شود. در جنگ‌های پروپاگاندا (تبلیغاتی) ممکن است فرهنگ یک کشور مورد حمله قرار گیرد. جنس تلفات در اینگونه جنگ‌ها متفاوت شده و میزان تلفات به شدت کاهش یافته است.

چارچوب نظری

نورنالیسم

در این نظریه امور واقعی حتی علیرغم میل باطنی ما وجود دارند. وظیفه نظریه‌پرداز، توصیف جهان است؛ پس کمکی به ساختن جهان نمی‌کند و نهایتاً با اتخاذ روش سنجش دقیق، گزارش کاملی برای تحلیل دقیق‌تر ارائه می‌کند و صرفاً به توصیف وضع موجود

می‌پردازد و برای ارتقاء به شرایط مطلوب سخنی به‌میان نمی‌آورد، چون صعود را غیرممکن می‌دانند و همچنین معیاری برای نقد وضعیت موجود ارائه نشده است. به‌عنوان نمونه، با توجه به اینکه نظریه‌پردازان رئالیست انسان‌ها را ذاتاً تجاوزکار می‌دانند، نمی‌توانند به سادگی این ذات منفی را به یک طبیعت مثبت تبدیل کنند. تنها راه چاره بررسی و تحلیل و ارائه نظریه در راستای تحدید شرارت اوست. (Kolin, ۲۰۰۲: ۱۹)

در نظریه رئالیسم، شرایط جهان آنارشیک فرض می‌شود و روابط بین‌الملل همان روابط دولت‌ها با یکدیگر است. در این شرایط جنگ اجتناب‌ناپذیر بوده و در نتیجه منازعه بیش از صلح متداول است. براساس تفکر نورئالیست‌ها، باورها دگرگون نمی‌شوند؛ اما اصلاحاتی را می‌پذیرند. (مارتین، ۱۳۸۳: ۳۵)

در این پژوهش به دنبال این هستیم که بدانیم بقا و موجودیت چه چیزی باید حفظ شود؟ چگونه و در برابر چه تهدیدهایی؟ آیا امنیت به سرزمین، دولت، افراد یا ترکیبی از این‌ها مربوط می‌شود؟ باید توجه داشت که در این زمینه توافقی وجود دارد که سه رکن اصلی امنیت ملی عبارتند از: رژیم سیاسی، انسجام اجتماعی و تمامیت ارضی. به عبارت دیگر، هرگونه حرکتی که یکی از این ارکان را تهدید یا تغییر دهد، به مثابه جنگ تلقی می‌شود. به‌طور کلی می‌توان گفت که دولت در مرکز این سه مؤلفه قرار دارد و می‌تواند هم‌نگهبان و هم‌تجسم این سه عنصر باشد. رویکرد نورئالیستی نیز بر اهمیت دولت تأکید می‌کند. (نصری، ۱۳۸۶،

۲۳۴-۲۳۵)

پیشینه پژوهش

باتوجه به اینکه ایالات متحده آمریکا و جمهوری اسلامی ایران همواره با استفاده از روش‌های مختلف در پی آن بوده‌اند که تفوق و دست برتر در منطقه باشند، محقق با مراجعه به مراکز دانشگاهی و پژوهشی مختلف به اثری که به صورت مجزا به بررسی نقش جنگ هیبریدی آمریکا و ایران بر کشورهای منطقه خاورمیانه پرداخته باشد، دست نیافت. اما کتب و مقالاتی انتشار یافته است که به طور غیرمستقیم موضوع این تحقیق را مورد کنکاش قرار داده‌اند.

- اصغر فرهادی در مقاله «جنگ هیبریدی غرب علیه جمهوری اسلامی ایران» (۱۴۰۱) به مطالعه جنگ ترکیبی و آنچه که تاکنون در قالب جنگ هیبریدی بر علیه ایران انجام شده و همچنین توانایی‌هایی که این کشور کسب کرده است می‌پردازد. اما مشخصاً در مورد منازعه میان آمریکا و ایران در منطقه خاورمیانه سخنی به میان نمی‌آورد.

- هادی ابراهیمی در مقاله «جنگ هیبریدی: رویکرد ایالات متحده آمریکا در مواجهه با ایران» (۱۳۹۹) به توضیح مفصل جنگ هیبریدی آمریکا در قبال ایران می‌پردازد و تمام ابزارهای آن را مورد بررسی قرار می‌دهد. اما به تأثیر این جنگ بر کشورهای منطقه نمی‌پردازد.

- فتح‌الله کلانتری در مقاله «تدوین راهبردهای جنگ احتمالی آینده با تأکید بر جنگ هیبریدی» (۱۳۹۵) به تدوین راهبردهای خرد و کلان جنگ احتمالی آینده با تأکید بر اجرای جنگ هیبریدی پرداخته است. اما به نقش آمریکا در جنگ هیبریدی علیه ایران توجهی ندارد.

- قاسم جولانی و قاسم فولادی در کتاب «جنگ‌های ترکیبی؛ مروری بر ادبیات» (۱۳۹۸) به بررسی موضوع جنگ هیبریدی و ابزار به کار گرفته شده در آن و بیان چند مثال از جنگ هیبریدی پرداخته است. مجموعه محتوای آن جنگ هیبریدی را به خوبی تفسیر می‌نماید اما در خصوص تخصص‌های مابین ایران و آمریکا سخنی به میان نمی‌آورد.

- روزبه پارسی در مقاله «توانمندی‌های جنگ هیبریدی ایران» (۲۰۲۱) به میزان آشنایی ایران با جنگ هیبریدی و آنچه که تاکنون در قبال جنگ ترکیبی بر علیه‌اش انجام شده و همچنین توانایی‌هایی که این کشور کسب کرده است می‌پردازد. اما به نقش آمریکا در جنگ ترکیبی با ایران توجهی ندارد و همچنین به موضع منطقه خاورمیانه اشاره‌ای نمی‌کند.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از حیث نوع، کاربردی است و به دنبال پردازش نقش مؤلفه‌های جنگ هیبریدی ایالات متحده آمریکا علیه ج.ا.ایران بر منطقه است. در این پژوهش با استفاده از روش کتابخانه‌ای و بررسی اسناد داده‌ها گردآوری شده و با مراجعه به منابع مرتبط در این زمینه به دنبال این بوده که ابعاد مختلف و مصداقی موضوع را شناسایی و مورد تحلیل و بررسی قرار دهد. در کنار بهره‌گیری از نظریه نورنالیسم از روش کیفی با رویکرد توصیفی - تبیینی برای تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده شده است.

تحلیل جنگ هیبریدی ایالات متحده آمریکا و ایران

مطالعه جنگ‌ها و منازعات بین کشورها نشان می‌دهد که تا پایان جنگ جهانی دوم، جنگ‌های سخت تسلط داشتند. اما پس از آن، سایر اشکال جنگ نیز در کنار جنگ‌های سخت مورد توجه قرار گرفتند و اهمیت پیدا کردند.

شیوه‌های جنگ همانند ایده‌ها و فناوری‌ها در طول تاریخ پیشرفت می‌کنند و دستخوش تغییر قرار می‌گیرند. این تغییر با سقوط شوروی و پایان جهان دوقطبی، شتاب یافته است؛ بسیاری از گروه‌های ملی و قومی فوراً فرصت جدید آزادی و به رسمیت شناخته شدن را دریافتند. انقلاب فناوری اطلاعات در عصر فعلی و جابجایی موازنه‌قوا در دوران پساجنگ سرد، ظهور مفهومی چون جنگ ترکیبی اجتناب‌ناپذیر است.

راهبرد جنگ هیبریدی، رهبران را قادر می‌سازد تا از نقاط قوت هر نیرو بهره ببرند و در نتیجه فشار بیشتری را در جنبه‌های مختلف جنگ وارد کنند. در بیشتر موارد در طول تاریخ، اگرچه انواع مختلفی از نیروها به صورت هم‌زمان تحت هماهنگی راهبردی جنگیده‌اند، ولی معمولاً هر کدام در نقاط مختلفی در طول میدان عملیات به کار گرفته شده‌اند. (Hoffman, ۲۰۰۹: ۳۶) جنگ‌های ترکیبی هم‌افزایی نیرومندی را ایجاد می‌کنند. کالین گری و هم مکس بوت هر دو استدلال می‌کنند که مرز میان دسته‌بندی‌های جنگ بیش از پیش از میان برداشته شده است. (Boot, Gray, ۲۰۰۶) این تلفیق قابلیت‌ها «جنگ هیبریدی»^۱ نامیده شده است.

۱. The Hybrid Warfare .

مفهوم جنگ ترکیبی که در آغاز تنها در تعدادی کمی از ارجاعات در چند نوشته و ارزیابی به چشم می‌خورد در حال حاضر وارد ارزیابی دفاعی قدرت‌های بزرگ جهانی شده است. فرانک جی هافمن برای توصیف جنگ ترکیبی از اصطلاح «همگرایی» استفاده می‌کند. او به تحلیل همگرایی در ابعاد فیزیکی و روانی، نظامی و غیرنظامی، خشونت و دولت‌سازی و پویایی و رویکرد اطلاعاتی می‌پردازد. هافمن بر این اعتقاد است که همگرایی اصلی‌ترین ویژگی در حالات جنگی خواهد بود. او پیش‌بینی می‌کند که در جنگ‌های هیبریدی، دولت‌ها و بازیگران غیردولتی به‌طور هم‌زمان از تمام وضعیت‌ها - شامل سنتی، نامنظم، تروریستی، اختلال‌آور یا جنایی - برای بر هم زدن نظم موجود استفاده خواهند کرد. (Hoffman, ۲۰۰۸)

هافمن درخصوص تهدید ترکیبی این چنین می‌گوید که: «مجموعه‌ای از گوناگون جنگ شامل قابلیت‌های متعارف، غیرمتعارف، اقدامات تروریستی مانند اختلال تبهکارانه که در کنار هم اجرا می‌شوند.» (Hoffman, ۲۰۰۷: ۸) جنگ هیبریدی می‌تواند از سوی دولت‌ها یا بازیگران بی‌دولت و یا ادغام آنها دو به راه انداخته شود. در این حالت باید منتظر دشمنانی بود که از انواع مختلفی از جنگ، احتمالاً به صورت هم‌زمان بهره خواهند برد تا با استفاده از ترکیب بهینه‌ای از روش‌ها و فن‌هایی که مطابق با فرهنگ راهبردی، جغرافیا و اهدافشان هست به نقاط ضعف دشمن حمله کنند. جنگ هیبریدی نیروهای چندحاله را در درون فضای جنگ واحدی ترکیب می‌کند تا بتواند به تأثیر هم‌افزایانه و نتیجه قطعی دست یابد.

جنگ‌های سنتی دولت‌محور در دوران حاضر تبدیل به جنگ ترکیبی و نامتقارن شده است، به‌نحوی که در آن هیچ مرز مشخصی بین نظامیان، غیرنظامیان، خشونت، ترور، جنایت و جنگ وجود ندارد. (Dupont, ۲۰۰۷) «جنگ‌ها بیش از پیش به سوی ترکیب روش‌های قدیمی و مدرن، اجرای غیرمتمرکز و تفاوت نوع بازیگر نسبت به قبل و با استفاده از فناوری‌های ساده و پیچیده به‌صورت هم‌زمان و نوآورانه بهره می‌برند.» (Conway, ۲۰۰۷)

درواقع طیف وسیعی از چالش‌ها پیش‌روی کشورهاست که شامل تهدیدات سنتی، نامنظم، تروریستی، اختلالی، سیاسی، دیپلماسی، اقتصادی و سایبری است. کشورها در مقابله با این چالش‌ها با دو انتخاب روبرو هستند: ۱- آمادگی با استفاده از قابلیت‌های متعارف ۲- راهکنش‌های نامتقارن و نامنظم.

جنگ‌های هیبریدی ممکن است هم از سوی دولت‌ها و هم از سوی طیفی از بازیگران بی‌دولت هدایت شوند. که از یک فرماندهی واحد پیروی و در یک فضای جنگی مشخص عمل می‌کنند تا به تأثیرات هم‌افزایانه در ابعاد فیزیکی و روانی جنگ بیانجامد. این تأثیرات را می‌توان در تمام سطوح جنگ به دست آورد. در نتیجه آنچه به صورت بالقوه خطرناک‌ترین و محتمل‌ترین گونه جنگ است، جنگ هیبریدی می‌باشد.

«در جنگ‌های هیبریدی هیچ محدودیت مرزی وجود ندارد و هیچ وسیله و روشی نیست که نتوان از آن به صورت ترکیبی در جنگ استفاده کرد.» (Liang, Xiangsui, ۱۹۹۹)

کشوری که درگیر جنگ هیبریدی است، در تمام سطوح یعنی ارگان‌های امنیتی، ادارات، نیروها و مراکز نظامی، مراکز خدمات‌دهی و اقتصادی آسیب دیده، مختل شده و یا احتمالاً نابود شده است.

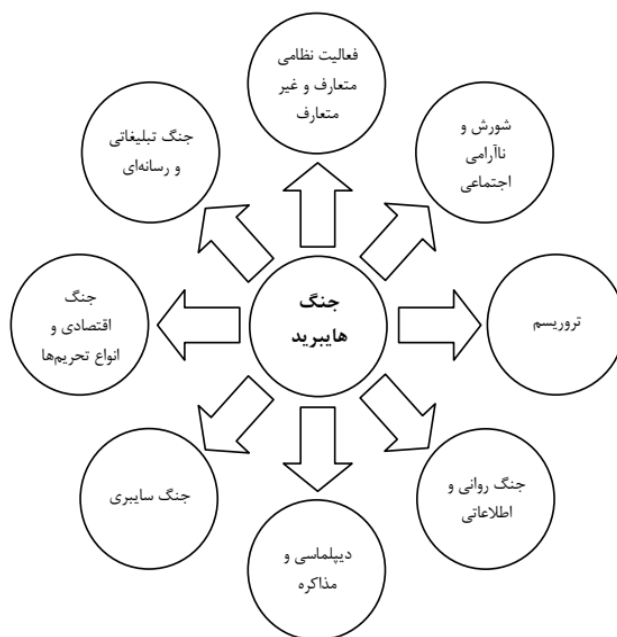
در این جنگ میدان آن جمعیت و مردم کشور هدف هستند. آنها کاملاً می‌دانند که نمی‌توانند در جنگ‌های سنتی یا اتمی پیروز شوند. با این وجود تجربه گذشته به آنها نشان می‌دهد که می‌توانند در جنگ‌های درون جمعیت‌ها که دولت هدف نمی‌داند چگونه بجنگد، پیروز باشند. آنها می‌دانند که می‌توانند چنین جنگ‌هایی را تا آنجا ادامه دهند که ناامیدی مردم داخل کشور درخصوص تلفات و هزینه را به عقب‌نشینی وادارد؛ بنابراین اهداف راهبردی و تاکتیکی دشمنان برای نابودی نیروهای نظامی سنتی و تصاحب زمینه حیاتی نیست، بلکه تصاحب، کنترل و دفاع از زمینه انسانی حیاتی تا زمانی که کشور هدف در جنگ تسلیم شود. در گذشته جنگ مستقیم توسط بمب‌افکن‌ها و نیروهای نظامی مشخص می‌شد اما در حال حاضر جنگ هیبریدی را می‌توان از دوهزار سال پیش و در سخنان سان تزو دید که معتقد بود جنگ غیر مستقیم یکی از مؤثرترین راه‌های مبارزه با دشمن است و می‌توان بدون درگیری مستقیم، دشمن را شکست داد.

یکی از مهمترین دلایلی که جمعیت‌ها به‌عنوان میدان جنگ انتخاب شده‌اند این است که در آنجا می‌توان جنگ را تا مدت‌ها ادامه داد. در دوران معاصر استمرار جنگ به‌عنوان راهبرد قطعی جنگ ابتدا از سوی مائو استفاده شد. وی مفهوم «جنگ انقلابی طولانی» را مطرح

کرد. مائو راهبردش را در کتاب «در باب جنگ طولانی» بدین گونه تشریح می‌کند که «تنها راه برای پیروزی نهایی، جنگ طولانی به لحاظ راهبردی است.» (Mao, ۱۹۵۴: ۱۸۰)

تأثیر مؤلفه‌های جنگ هیبریدی آمریکا و ایران بر امنیت منطقه

در جنگ ترکیبی از امکانات نظامی متعارف و غیرمتعارف، ایجاد آشوب داخلی، ترور و گروه‌های تروریستی، تاکتیک جنگ چریکی و محدود، فشار اقتصادی و تحریم‌ها، انواع منتهای دیپلماسی، اختلال سایبری و عملیات روانی و تبلیغاتی دو کنار هم استفاده می‌شود. (Huovinen, ۲۰۱۱:۳) در شکل زیر به مؤلفه‌های جنگ هیبریدی اشاره شده است.



(۱) عملیات نظامی

عملیات نظامی به دو گروه متعارف و غیرمتعارف طبقه‌بندی می‌شوند و می‌توان آن‌ها را براساس معیارهای مختلف مورد تحلیل قرار داد. برای نمونه، در چارچوب قوانین بین‌المللی،

دفاع در برابر حملات نظامی دشمن به عنوان عملی متعارف تعریف می‌شود، درحالی که به کاربردن سلاح‌های کشتار جمعی به عنوان اقدامی غیرمتعارف شناخته می‌شود. این نوع جنگ شامل ابعاد مختلفی از منازعه و دارای تنوع اهداف است که علاوه بر مخالفان احتمالی مانند گروه‌های ضد دولتی، کشورهای پیرامونی کم‌قدرت‌تر، قدرت‌های منطقه‌ای و قدرت‌های بزرگ، از تاکتیک‌های متعارف، غیرمتعارف، نظامی و غیرنظامی نیز استفاده می‌شود. (Gardner, ۲۰۱۵) از جمله اقدامات آمریکا در این خصوص ظهور و بروز گروه‌های تکفیری و مسلح کردن کشورهای همسایه و ... می‌باشد.

در طی دو سده گذشته تمامیت ارضی ایران به صورت مکرر مورد تعرض و تهدید سیاسی قرار گرفته که یکی از مهمترین آن حمله عراق بود که به جنگ ۱۳۵۹ - ۱۳۶۷ منتهی شد. آمریکا با تقویت پایگاه‌های نظامی خود، حضور بیش از پیش ناوهای جنگی و پروازهای مستمر هواپیماهای بمب افکن راهبردی B۵۲ در مناطق مرز دریایی ایران در خلیج فارس و کشورهای عربی همواره سعی کرده تا سایه جنگ مستقیم را بر روی ایران حفظ کند و در مقابل ایران با تقویت موشک‌های دوربرد خود، استراتژی استفاده از قایق‌های تندرو و همچنین استفاده از پهپادها توانسته توانایی نظامی خود را به رخ بکشد.

در این میان کشورهای ثالث منطقه‌ای به شدت تحت تأثیر این تقابل هستند به نحوی که از خاک هر کدام از این کشورها به یکی از دو طرف حمله محدود و یا همه جانبه صورت گیرد متحمل خسارات جبران ناپذیری خواهد شد. علی ای حال آمریکا و ایران از برخی کشورها و یا رژیم‌های منطقه برای ضربه زدن به دیگری استفاده می‌کنند.

آمریکا با استفاده از توان نظامی رژیم صهیونیستی همواره سعی کرده تا از نفوذ و ایجاد پایگاه نظامی توسط ایران در منطقه از جمله سوریه جلوگیری کند. در همین راستا برخی از محموله‌های ارسالی ایران به سوریه مورد هدف جنگنده‌های این رژیم قرار می‌گیرند. از سوی دیگر با تجهیز کردن کشورهای عربی از جمله عربستان، امارات و مصر توسط آمریکا این تقابل را از سطح میان دو کشور به کشورهای دیگر در منطقه خاورمیانه تسری داده شده است. از جمله تلاش‌های آمریکا ایجاد ناتوی عربی با محوریت عربستان سعودی است تا بتواند هزینه‌های خود را به حداقل ممکن برساند و با رعایت اصل پراکندگی، میزان توانایی ایران را

در پاسخگویی به هرگونه حرکت نظامی کاهش دهد. درمقابل ایران نیز با تجهیز گروه‌های مقاومت و کشورهای هم پیمان علاوه بر تقابل یا این طرح به دنبال محاصره رژیم صهیونیستی و حتی نیروهای آمریکایی حاضر در منطقه می‌پردازد و گاهاً به واسطه آنها به پایگاه‌های آمریکا و رژیم صهیونیستی ضربه وارد می‌کند.

این منازعه موجب شده است تا منطقه با یک جرقه کوچک جنگی شکل بگیرد زیرا که تمام همپیمانان دو طرف از نظر تسلیحات به روز شده اند و میزان تسلیحات نسبت به قبل از شروع منازعات اخیر میان ایران و آمریکا افزایش چشمگیری داشته است. جنگ عربستان با یمن، بحران سوریه، عملیات طوفان الاقصی و حمله رژیم صهیونیستی به غزه را در همین راستا می‌توان تحلیل کرد.

۲) شورش و اعتراضات اجتماعی

افزایش آگاهی‌ها و وسایل ارتباط جمعی و همچنین شیب تند افزایش نیازها و خواسته‌های مردم باعث افزایش فشار به دولت‌ها شده است. از آنجا که امکانات محدودی در برابر این خواسته‌ها وجود دارد، امکان رسیدگی به همه انتظارات جامعه نیست؛ لذا این امر موجب پیدایش و گسترش اعتراضات و شورش‌ها در جوامع مختلف می‌شود.

نوآوری جنگ هیبریدی این است که نیروهای منظم و نامنظم می‌توانند همزمان وارد یک درگیری فعال اجتماعی، دستکاری شده یا اجباری علیه دولت مشخص شوند. جنگ هیبریدی با استفاده از روش‌های قانونی و غیرقانونی، مستقیم بر دولت هدف تأثیرگذار است و آن را وارد یک منازعه طولانی و سخت می‌کند. اعتراضات و اغتشاشات سالهای ۸۸، ۹۶، ۹۸ و ۱۴۰۱ را در همین راستا می‌توان دانست.

ایجاد ناآرامی اجتماعی در منطقه مسبوق به سابقه بوده است اما آنچه در حال حاضر این ناآرامی‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد تخاصم میان ایران و آمریکا است. طی دو دهه گذشته تظاهرات و بعضاً ناآرامی‌هایی در سطح منطقه رخ داده که نشان دهنده این موضوع بوده اند. به عنوان مثال می‌توان ناآرامی‌های چندسال اخیر در عراق به ویژه سال ۲۰۱۹ که گروه‌هایی تحت رهبری مقتدا صدر بر علیه ایران شعار می‌دادند تا بتوانند نفوذ و قدرت ایران در کشور عراق که طی سالیان متمادی کسب کرده بود را به صورت قابل ملاحظه‌ای کاهش دهند. برای این

کار از موضوعات نژادی، قومی و مذهبی نهایت استفاده را کردند. شاهد مثال دیگر تظاهراتها در کشور لبنان بود که بعضا شعارها بوی ضد ایرانی بودن می دادند و کاهش قدرت متحد راهبردی ایران یعنی حزب الله لبنان را می خواستند. حتی ناآرامی های اجتماعی ایران نیز در می توان در راستای امتیازگیری از ایران در سطح منطقه، کاهش نفوذ و قدرت ایران برشمرد. درمقابل ایران نیز با اجتماع طرفداران محور مقاومت در کشورهای عراق، سوریه و حتی یمن سعی در قدرت نمایی و جلوگیری از رسیدن آمریکا به اهداف خود در این منطقه بود. به نوعی دوکشور با استفاده از مردم کشورهای ثالث سعی در افزایش حوزه نفوذ و کوتاه کردن دست دیگری را داشتند.

۳) تروریسم

از نظر اشمید اقدامات اساسی علیه یک کشور به دو دسته متعارف و غیرمتعارف تقسیم می شوند. عملیات غیرمتعارف، دو طبقه؛ خشونت آمیز و مصالمت آمیز را در خود جای می دهد. در حوزه اقدامات خشونت آمیز غیرمتعارف، رفتارهای دولت ها می تواند شامل تروریسم دولتی، ترور، جنگ های داخلی، قتل عام، نسل کشی و سرکوب های خشونت آمیز باشد. از سوی دیگر، اقدامات غیرمتعارف از جانب بازیگران غیر دولتی شامل تخریب فیزیکی، ترور، عملیات چریکی، قتل عام، شورش و انقلاب های خشونت بار است. (عبدالله خانی، ۱۳۸۶: ۱۲)

دو نوع ترور وجود دارد: ۱. ترور سرخ: اشاره به انجام عملیات مسلحانه پنهان به عنوان بدیل برای به کارگیری نیروهای نظامی، انتظامی، نهادهای زندان و روش های شکنجه؛ ۲. ترور سیاه: به معنای اجرای تروریسم دولتی در قالب اعتراضات عمومی و فعالیت های سازمان یافته. (عرفانی، ۱۳۸۸: ۷۷) در طول تاریخ بشر همواره عملیات تروریستی از روش های مبارزه اجتماعی بوده و در جنگ هیبریدی جایگاه مهمی به خود اختصاص داده است. از جمله ترور شهید سلیمانی، دانشمندان هسته ای و شهید فخری زاده نیز بر همین اساس بوده است.

تروریسم و استفاده ابزاری از آن در مواجهه با جمهوری اسلامی ایران را می توان در دو بُعد اصلی بررسی کرد. نخست، به کارگیری اتهاماتی مبنی بر حمایت ایران از تروریسم به عنوان ابزاری برای اعمال فشار بین المللی و منطقه ای بر جمهوری اسلامی. دوم، حمایت غرب از گروه های تروریستی به منظور افزایش فشار امنیتی بر ایران. مصادیق متعددی همچون ایجاد

گروه تروریستی داعش، جبهه النصره و حمایت از گروه‌های کرد را می‌توان برشمرد. پشت پرده ایجاد و ظهور گروه تروریستی داعش که در مناظرات انتخاباتی میان ترامپ و کلینتون علنی شد و در آنجا ترامپ، کلینتون را به دست داشتن در ایجاد این گروه متهم کرد؛ چرا که وی در کتاب خاطرات خود نوشته بود که داعش را ما به وجود آوردیم. (بیژنی، ۱۳۹۵: ۲۶) با قدرتیابی این گروه تروریستی، منطقه دچار بحرانی شد که تا یک دهه ادامه داشت. آمریکا با حمایت از گروه‌های کرد مستقر در شمال عراق نیز توانسته ضرباتی را به ایران وارد کند که مناطق شمالی عراق را تحت تأثیر این نزاع قرار داده است و گاهی شاهد هستیم که ایران نقاطی از منطقه را با موشک و پهپاد هدف قرار می‌دهد.

از جمله کارهای دیگری که آمریکا در قبال ایران انجام داد. ترور سردار شهید حاج قاسم سلیمانی و شهید فخری به دست رژیم صهیونیستی بود که هر ترور از مبدا یکی کشورهای منطقه اجرایی شد را می‌توان آن را نیز در این راستا تحلیل کرد.

۴) جنگ روانی و اطلاعاتی

جنگ روانی به معنای فرآیند طراحی شده و منسجم بهره‌برداری از تبلیغات و اقدامات با استفاده از ابزارهای نظامی، اقتصادی یا سیاسی است. هدف اصلی آن نفوذ در باورها، احساسات، عواطف، تمایلات و رفتار مخاطبان (شامل دشمنان، بی‌طرفان، هم‌پیمانان و دوستان) و تأثیرگذاری بر آنان به منظور دستیابی به پیروزی در جنگ، تسلیم کامل نیروهای دشمن و تضعیف روحیه آن‌ها می‌باشد. (ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۲۳)

تجاوز به حریم اطلاعاتی یک کشور که موجب نزاع و به‌خطر افتادن منافع ملی می‌شود، را جنگ اطلاعات می‌گویند. اطلاعات و فناوری‌های مرتبط با آن در عرصه جنگ‌های اطلاعاتی برای امنیت ملی و اصول دفاعی از اهمیت بالایی برخوردارند. هر طرف در منازعه که به ابزارهای تحلیلی و تاکتیک‌های پیشرفته در زمینه جنگ اطلاعاتی تسلط داشته باشد، مزیت برتری و توانمندی بیشتری نسبت به رقیب خود خواهد داشت. (رشیدزاده، ۱۳۸۵: ۵۰)

اطلاعات در جنگ ترکیبی به عنوان گلوله استفاده می‌شود، همانطور که شبکه‌های اجتماعی به مثابه سلاح پرتاب آن هستند.

آمریکا از جنگ اطلاعاتی علیه دشمنان و رقبای خود به خصوص ایران استفاده می‌کند. (کریمی، ۱۳۷۲: ۸۱) در جنگ روانی و اطلاعاتی برخلاف جنگ رسانه‌ای که برای تأثیرگذاری بر ذهنیت آحاد مردم جامعه به اجرا درمی‌آید، به دنبال تغییر محاسبات مسئولان حکومت و دولت هدف است. رهبر معظم انقلاب در این رابطه فرمودند که آمریکا به دنبال ایجاد خطای محاسباتی در تصمیم‌گیری مسئولان است:

«مسئولان آماده این نفوذند؛ برای چه؟ هدف چیست؟ هدف این است که محاسبات مسئولان را عوض کنند و تغییر بدهند؛ یعنی مسئول جمهوری اسلامی به این نتیجه برسد که با ملاحظه هزینه و فایده احساس کند که باید این اقدام را بکند، این اقدام را نکند؛ نفوذ برای این است که به این نتیجه برسند که فلان رابطه را قطع کند، فلان رابطه را ایجاد کند؛ نفوذ برای این است که این محاسبات در ذهن مسئولین عوض بشود.» (۱۳۹۴/۱۲/۲۰)

از جمله ابزارهای دیگر در این جنگ تربیت سلبریتی‌های کارشناس است. این افراد که مخاطب فراوان دارند و در سطح کشورهای خود بسیار فعال هستند با آموزش در موضوعات مشخص و ایجاد حساسیت در مردم به ارائه بحث‌های جذاب در آن زمینه و سیاه‌نمایی فعالیت‌های ایران و افزایش خشم در مردم آن کشور اقدام می‌کنند تا بتوانند بر سیاست‌های کلی کشور خود در قبال ایران تأثیر بگذارند. از جمله می‌توان به برخی از سیلیبریتی‌های لبنان، سوریه، عراق و ... اشاره کرد که در اعتراض اجتماعی از ایران به عنوان عامل اصلی وضع موجود در کشور خود یاد می‌کردند.

۵) جنگ سایبری

همان‌طور که در جنگ‌های نظامی سلاح‌های سخت‌افزاری به موجودیت دولت‌ها آسیب می‌زدند، در جنگ‌های سایبری نیز با استفاده از فناوری‌های پیشرفته، امکان حمله به نهادهای مالی، زیرساخت‌های کلیدی و سیستم‌های کنترلی در حوزه‌های انرژی، ارتباطات، اطلاعات و حمل و نقل وجود دارد. علاوه بر این، چنین حملات سایبری می‌توانند به طور جدی بر افکار عمومی و روحیه ملی جامعه هدف تأثیرگذار باشند. (ماه پیشانیان، ۱۳۹۰: ۹۶)

خرابکاری سایبری به عنوان ابعدی نوین از جنگ ترکیبی، به تشدید بی‌اعتمادی میان رقبای بین‌المللی منجر می‌شود. این نوع جنگ مشابه به عملیات پرچم دروغین، حملات

انتحاری، اقدامات داخلی، آدم‌ربایی، استفاده از هواپیماهای تجاری به عنوان ابزار تهاجمی، و سوءاستفاده از کمک‌های بشردوستانه برای قاچاق مواد مخدر و تسلیحات عمل می‌کند. در شرایط کنونی، مهاجمان سایبری قادرند اطلاعات حساس از نهادهای خصوصی و دولتی را استخراج کنند، ارتباطات را مختل نمایند و زیرساخت‌های حیاتی را تخریب یا غیرفعال سازند. نمونه‌ای بارز از خرابکاری سایبری، بدافزار استاکس‌نت است که به طور مشترک توسط ایالات متحده و رژیم صهیونیستی برای هدف‌گذاری تأسیسات هسته‌ای نظیر در ایران طراحی و به کار گرفته شد.

در سال‌های اخیر، ایران با چندین حمله سایبری مواجه شده که برخی از آنها توجه رسانه‌ها را به خود جلب کرده‌اند. این حملات عمدتاً با اهداف جاسوسی و تخریب انجام می‌شوند. به عنوان مثال، بدافزارهای استاکس‌نت و فلیم از جمله پیچیده‌ترین بدافزارهایی هستند که علیه جمهوری اسلامی ایران به کار رفته‌اند.

این نوع بدافزارها، می‌توانند به سرعت عناصر تخریبی را منتشر کنند که از نظر شدت ویرانگری قابل مقایسه با سلاح‌های هسته‌ای هستند، اما استفاده از آنها به مراتب آسان‌تر است. محکومیت استفاده از بدافزار به عنوان یک ابزار جنگی توسط مقامات روسیه و ایران نشان دهنده آن است که چنین حملاتی پتانسیل ایجاد مناقشات گسترده‌تری را دارند.

۶) دیپلماسی و مذاکره

دیپلماسی در معنای محدود آن به استفاده از روش‌های مسالمت‌آمیز سیاسی برای حل و فصل منازعات بین‌المللی اشاره دارد که در مقابل روش‌های قهرآمیز نظامی قرار می‌گیرد. در معنای جامع‌تر، دیپلماسی به فرآیند هدایت و تنظیم سیاست خارجی اشاره دارد که شامل تمام فعالیت‌ها و تدابیری است که یک کشور در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، تجاری، مالی، فناوری، امنیتی و نظامی در روابط بین‌الملل به کار می‌برد. (قوام، ۱۳۸۴: ۸) در جنگ ترکیبی، دیپلماسی نقشی اساسی در هماهنگی مؤلفه‌های مختلف جنگ، تحقق اجماع میان بازیگران مختلف در خصوص موضوعات جنگی، و تأمین مشروعیت برای اقدامات اتخاذ شده علیه طرف هدف ایفا می‌کند. دیپلماسی و مذاکره همواره به عنوان ابزاری برای شرطی‌سازی طرف مقابل قابل استفاده هستند و این فرآیند به نوعی ادامه جنگ، اما به شیوه‌ای متفاوت

است. این رویکرد، بازیگر هدف را در رسیدن به اهداف بازیگران اقدام‌کننده تحت فشار بیشتری قرار می‌دهد.

از زمان پیروزی انقلاب اسلامی ایران، ایالات متحده تلاش کرده است تا جامعه بین‌المللی را علیه ایران متحد کند. این اقدامات شامل محدودسازی حضور ایران در سازمان‌های دیپلماتیک، فراخواندن سفرای خارجی، اجرای قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت و اعمال انواع فشارهای دیپلماتیک در قالب تحریم‌ها، تهدیدها و فشارهای سیاسی بوده است. یکی از بارزترین نمونه‌ها در این زمینه، فشارهای دیپلماتیکی بود که به بهانه برنامه هسته‌ای ایران اعمال شد و در نهایت به توافق برجام انجامید. این توافقنامه به عنوان ابزاری برای اعمال فشار ثانویه علیه ایران مورد استفاده قرار گرفت و در چارچوب جنگ ترکیبی، نقش مهمی در شرطی‌سازی جامعه و مسئولان ایرانی ایفا کرد. (موسویان، ۱۳۹۴: ۴۵۷) از یک طرف ایالات متحده تحریک کشورهای حاشیه خلیج فارس با تشکیل شورای همکاری در جهت مقابله با ایران، عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی و از طرف دیگر جمهوری اسلامی ایران با تقویت روابط خود با کشورهای دوست در منطقه، برقراری روابط راهبردی با کشورهای عربی عمان و قطر به سوی اهداف خود پیش می‌روند.

۷) فشار اقتصادی و اعمال تحریم‌ها

جنگ اقتصادی می‌تواند به عنوان امتداد دیپلماسی و مذاکره در نظر گرفته شود، و در چارچوب جنگ هیبریدی، تمامی عناصر به صورت هماهنگ و هم‌راستا عمل می‌کنند. این نوع جنگ شامل تأثیرگذاری بر تمایلات جامعه هدف، ایجاد وابستگی و قابلیت کنترل آن، اجرای تحریم‌ها و عملیات اقتصادی نظیر جنگ‌های ارزی، کاهش ارزش پول ملی، اعمال تعرفه‌های تجاری مختلف و محدود کردن واردات فناوری‌های پیشرفته تولید می‌شود. (ملکوتی نیا، ۱۳۹۴: ۶۵) در این راستا، رهبر معظم انقلاب (مدظله العالی) بارها به فشارها و جنگ اقتصادی آمریکا و سایر دشمنان علیه جمهوری اسلامی ایران اشاره کرده‌اند. ایشان در دیدار با شرکت‌کنندگان در کنفرانس اتحادیه بین‌المجالس سازمان همکاری اسلامی چنین فرموده‌اند:

«با ما جنگ اقتصادی کردند. فهمیدند که اقتصاد مهم است در کشور ما و سال‌های متمادی است دارند با ما جنگ اقتصادی می‌کنند؛ این جنگ را به شدت رساندند. امروز هم این

جنگ اقتصادی ادامه دارد؛ تحریم، یکی از بخش‌های جنگ اقتصادی با ماست.»
(۱۳۹۶/۰۲/۲۶)

ایشان همچنین در دیدار با کارگران، بیان داشتند:

«امروز آنچه مطرح است برای دشمنان ما، جنگ اقتصادی است. اتاق جنگ آمریکا علیه ما عبارت است از وزارت خزانه داری آمریکا که همان وزارت اقتصاد و دارایی شان است؛ آنجا اتاق جنگ با ماست.» (۱۳۹۷/۰۲/۱۰)

جنگ اقتصادی در حقیقت به تحریک نارضایتی عمومی علیه حکومت‌ها و ایجاد فشار هم‌افزای تهاجمی می‌پردازد و یکی از ارکان کلیدی جنگ ترکیبی به شمار می‌آید. در حوزه جنگ اقتصادی، تحریم‌های مالی، بیمه‌ای، بانکی و جنگ ارزی گسترده علیه ایران از جمله ابزارهای کلیدی به شمار می‌آیند. هیلاری کلینتون، وزیر امور خارجه ایالات متحده در دوره اول ریاست جمهوری باراک اوباما، با افتخار اعلام کرد که طراحی و اجرای شدیدترین تحریم‌های یک‌جانبه و چندجانبه علیه ایران به دست او صورت گرفته است. (موسویان، همان: ۴۵۷)

طراحی و اجرای تحریم‌های اقتصادی از سال ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۳ توسط ایالات متحده، مشکلات جدی در زمینه صادرات نفت ایران و مسائل مالی مرتبط با آن به وجود آورد. پس از خروج دونالد ترامپ از توافق هسته‌ای برجام، کنگره ایالات متحده به شدت به تشدید جنگ اقتصادی علیه جمهوری اسلامی ایران پرداخت. تحریم‌های اقتصادی جدید، بخشی از پیچیده‌ترین و پیشرفته‌ترین استراتژی‌های جنگ اقتصادی است که ایالات متحده علیه ایران به کار گرفته است. این رویکرد نشان‌دهنده این است که ایالات متحده ابزارهای اقتصادی را به‌عنوان یکی از مؤثرترین شیوه‌ها برای فشار به کشورهای دیگر شناسایی کرده است. در این راستا، وزارت امور خارجه و خزانه‌داری ایالات متحده به طور دقیق بر نظام‌های بانکی جهانی نظارت می‌کنند و به‌طور رسمی اعلام کرده‌اند که دلار را به ابزاری اقتصادی برای تحمیل اراده خود تبدیل کرده‌اند.

در این بین توقیف نفتکش‌ها و یا ضربه زدن به نفتکش‌های کشورهای منطقه تأثیر زیادی در جهت‌گیری و سیاست‌های این کشورها داشته است. از یک طرف همکاری اقتصادی

کشورهای منطقه از جمله ترکیه و امارات در راستای جلوگیری از ورود ارز به ایران و جلوگیری از صادرات ایران با کشورهای منطقه و یا فشار بر کشورهای منطقه برای عدم بازپرداخت بدهی خود به ایران و از سوی مقابل ایران همکاری اقتصادی با کشورهایی همچون عراق و قطر را ارتقا بخشید. آمریکا با همکاری برخی کشورهای منطقه از صادرات نفت ایران جلوگیری می‌کردند اما ایران نیز با حمایت از انصارالله یمن که با حملات موشکی به مجتمع نفتی آرامکو میزان صادرات نفت عربستان را کاهش داد، جواب این حرکت آمریکا و برخی کشورهای منطقه را داد.

۸) جنگ تبلیغاتی و رسانه‌ای

جنگ تبلیغاتی و رسانه‌ای به‌عنوان یکی از جنبه‌های کلیدی جنگ‌های مدرن، به تهاجم به شناخت و احساسات جوامع هدف می‌پردازد. در این زمینه، "استفاده از رسانه‌ها برای تضعیف کشور هدف و بهره‌برداری از ظرفیت‌های مختلف آن‌ها، شامل مطبوعات، خبرگزاری‌ها، رادیو، تلویزیون، اینترنت و تکنیک‌های تبلیغاتی به منظور تقویت منافع ملی، به عنوان جنگ رسانه‌ای شناخته می‌شود." در دنیای معاصر، رسانه‌های دشمن با بهره‌گیری از تکنیک‌هایی نظیر بزرگ‌نمایی، بمباران اطلاعاتی و تحریف اخبار و افکار عمومی، به شکل مؤثری بر ذهنیت و درک عمومی تأثیر می‌گذارند. (مرادی، ۱۳۹۱: ۱)

مسئله جنگ رسانه‌ای شامل تحلیل و ارزیابی دقیق طیف گسترده‌ای از وبسایت‌ها، شبکه‌های اجتماعی و کانال‌های تلویزیونی به زبان‌های مختلف، از جمله فارسی، است. این مقوله شامل فعالیت‌های کلیدی نظیر راه‌اندازی و مدیریت صفحات ضد انقلاب در پلت‌فرم‌هایی مانند تلگرام و توئیتر (ایکس)، انتشار اخبار نادرست و تحریک‌آمیز، فراخوان به اعتراضات و تجمعات، و تشدید شکاف‌های اجتماعی است. علاوه بر این، این رسانه‌ها به تصویرسازی فعالیت‌های خود و ارائه آموزش‌های مرتبط با شورش در جامعه مدنی می‌پردازند، که موجب تقویت و سازماندهی نارضایتی‌های اجتماعی می‌شود.

اقتصادی‌ترین، ساده‌ترین و مؤثرترین روش برای دستیابی به پیروزی در جنگ، نفوذ به بازیگران مختلف صحنه نبرد (دوستان، دشمنان و بی‌طرفان) است. در این رویکرد، هدف ایجاد یک چرخه محرک-پاسخ است که به‌طور سیستماتیک به تأثیرگذاری بر فرآیندهای تصمیم

سازی و تغییر رفتار طرف‌های درگیر می‌پردازد. این استراتژی به منظور تغییر دینامیک‌های موجود و دستیابی به نتایج مطلوب در صحنه نبرد طراحی می‌شود. یکی از مهمترین رسانه‌ای که با حمایت جدی آمریکا و برخی کشورهای منطقه از جمله عربستان به دنبال تأثیرگذاری بر افکار عمومی ایران داشت، شبکه ایران اینترنشنال بود و به دنبال آن برخی شبکه‌های ماهواره‌ای همچون بی بی سی که سابقه طولانی در این موضوع دارد، ایندپندنت فارسی که امتیازش توسط عربستان خریداری و راه‌اندازی گردید، نیز توانست تأثیری بر جامعه ایران بگذارد. در طرف مقابل جمهوری اسلامی با راه‌اندازی شبکه‌هایی همچون کوثر، سحر، العام و ایران پرس و همکاری با شبکه‌های قطری همچون الجزیره تأثیراتی بر دیدگاه جهان عرب همسایه ایران داشته است.

غربی‌ها با الهام از اصول جنگ ترکیبی، به دنبال مدیریت تصویر جامعه ایرانی از وضعیت موجود و وضعیت مطلوب هستند. هدف آن‌ها افزایش ناکامی‌های ایران و معرفی آن به عنوان نتیجه پیگیری آرمان‌هاست. این استراتژی تلاش می‌کند تا جامعه ایرانی ناکامی‌ها و ناتوانی‌های خود را به آرمان‌ها و ارزش‌هایش نسبت دهد. این رویکرد بخشی از اهداف جنگ ترکیبی است که به مشروعیت‌زدایی از آرمان‌ها و ارزش‌ها نیز منجر می‌شود.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

منطقه خاورمیانه از جمله حساس‌ترین مناطق جهان می‌باشد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و تقابل با سیاست‌های آمریکا در منطقه تهدیدها بر ضد امنیت ملی ایران شروع شد. این تهدیدها در ابتدا جنبه سخت‌افزاری داشت و پس از آن شکل نرم‌افزاری به خود گرفت اما به مرور زمان ابعاد پیچیده‌تری را شامل شد و به ترکیبی از تمام ابزارها تغییر شکل داد. پیامدهای ناگوار به کارگیری قدرت سخت و درازمدت بودن تأثیرگذاری قدرت نرم برای رسیدن به هدف موجب شد تا قدرت‌های بزرگ به این نتیجه برسند که هیچ‌کدام از آنها به تنهایی کارساز نیست و نیاز است تا از این مدل جنگ‌ها عبور کرد و با اجرای اقدامات پیچیده‌ای در حوزه‌های مختلف در قالب جنگ هیبریدی به اهداف خود نزدیک شد. در راهبرد کلان آمریکا در چند دهه اخیر، ناتوان و فقیرسازی و فرسایش قدرت اقتصادی کشورهای مخالف

از اولویت مستمر برخوردار است تا به صورت همزمان با فشار و ضربات اطلاعاتی و امنیتی و محدودیت‌سازی در ارتقای توانمندی‌های نظامی و دیگر عرصه‌ها، که غالباً با عنوان محاصره به اجرا درمی‌آید، تلاش برای حفظ برتری قدرت ایالات متحده را محقق نماید. ریچارد نفیو در کتاب خود، به تحلیل روند توافق هسته‌ای برجام پرداخته و به جنبه‌های جنگ ترکیبی علیه جمهوری اسلامی ایران نیز اشاره می‌کند. او می‌گوید: «تحریم‌ها زمانی به نتیجه رسیدند که مجموعه‌ای از عوامل مختلف به طور هماهنگ و کارآمد عمل کردند» (نفیو، ۱۳۹۷: ص ۱۱). نفیو همچنین تأکید می‌کند: «این موفقیت نتیجه تلاش‌های تیمی شامل افسران اطلاعاتی، نظامیان، کارشناسان غیرنظامی، تیم تحریم، کارکنان کنگره و دیپلمات‌ها بود و نه صرفاً دستاورد فردی من یا سایر حاضرین در ژنو» (نفیو، همان: ص ۸). او در این اثر به تأثیر مفاهیم روانشناختی در جامعه هدف برای اثربخشی تحریم‌ها به عنوان ابزاری برای تغییر رفتار اشاره دارد و می‌افزاید: «یکی از عوامل اصلی موفقیت تحریم‌ها و اجرای آن‌ها، نداشتن درک صحیح از سطوح مختلف استقامت ملی در طرف مقابل و اقدامات لازم برای تضعیف این اراده است» (نفیو، همان: ص ۱۹). همچنین، شبکه‌های اجتماعی، مدیریت تصویر و کنترل افکار عمومی به طور قابل توجهی در تقویت جنگ ترکیبی مؤثر هستند. نفیو در این راستا اشاره می‌کند: «در همان زمان که تحریم‌ها به مرحله اجرا درآمد، ایالات متحده توانست توانایی‌های شرکت‌ها و دولت خود را برای فروش فناوری‌های مخابراتی به ایران افزایش دهد.» (نفیو، همان: ۹۱)

تحریم‌های شدید اقتصادی، حملات سایبری، به کارگیری دیپلماسی بی‌سابقه علیه یکدیگر، تبلیغات و پروپاگاندا علیه یکدیگر، به کارگیری نیروی ویژه، حمایت از ناآرامی‌های داخلی کشورهای منطقه و ... جزئی از جنگ هیبریدی حال حاضر میان آمریکا و ایران است که هر کدام از آنها پتانسیل این را دارد تا یک کشور منطقه را تحت تأثیر قرار دهد.

غفلت از این نوع جنگ و عدم اتخاذ رویکرد مناسب در مواجهه با آن پیامدهای مخرب و غیرقابل جبرانی می‌تواند در پی داشته باشد. مواجهه با جنگ هیبریدی نیازمند یک هسته فکری منسجم، هیبریدی و نوآورانه است که با تشخیص ظرفیت‌های کشور امکان مقابله با راهبردهای ترکیبی دشمن را داشته باشد.

این تحقیق فرصتی را برای دست‌اندرکاران سیاست خارجی و فرماندهان نظامی فراهم می‌آورد تا با شناخت تاکتیک‌های جنگ هیبریدی، بهره‌گیری از نخبگان سیاسی نظامی راهبرد مناسبی را در مواجهه با آن به‌دست آورند تا بیشترین منافع را در اختیار جمهوری اسلامی ایران قرار دهد. این پژوهش می‌تواند زمینه‌ساز پژوهش‌های بعدی در زمینه‌های مقابله با جنگ‌های هیبریدی در هر جغرافیای سیاسی علیه جمهوری اسلامی ایران باشد و با شناخت نقاط قوت و ضعف ایران در این جنگ راهکارهایی برای ارتقا توان ایران در عرصه‌های مختلف ارائه دهد.

فهرست منابع

۱. ابراهیمی، هادی. (۱۳۹۹). «جنگ هیبریدی: رویکرد ایالات متحده آمریکا در مواجهه با جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه پژوهش‌های بین‌الملل، دوره ۱۰، شماره ۲، شماره پیاپی ۳۷، صص ۱۵۵ - ۱۸۰.
۲. افتخاری، اصغر. (۱۴۰۱). «تحلیل جنگ هیبریدی غرب علیه جمهوری اسلامی ایران»، مجله آفاق امنیت، دوره ۱۵، شماره ۵۴، صص ۹۲ - ۱۳۰.
۳. بیژنی، مهدی. (۱۳۹۲). «بررسی علل بروز تروریسم در جغرافیای جهان اسلام»، مطالعات راهبردی جهان اسلام، شماره ۶۶، صص ۵ - ۳۰.
۴. جولانی، قاسم و فولادی، قاسم. (۱۳۹۸). «جنگ‌های ترکیبی؛ مروری بر ادبیات»، تهران، دانشگاه دفاع ملی.
۵. ذوالفقاری، وحید. (۱۳۹۲). «رفتارشناسی سیاسی دیپلماسی نوین چین»، فصلنامه مطالعات سیاسی، سال ششم، شماره ۲۱، صص ۱۹۳ - ۲۱۴.
۶. رشیدزاده، فتح‌اله. (۱۳۸۵). «عصر اطلاعات و جنگ ترکیبی»، فصلنامه مدیریت نظامی، شماره ۲۱، صص ۴۱ - ۷۰.
۷. شیرودی، مرتضی. (۱۳۸۴). «جنگ، انواع، انگیزه‌ها و جنگ تحمیلی»، فصلنامه روان‌اندیشه، شماره ۴۶.
۸. عبدالله‌خانی، علی. (۱۳۸۶). «جنگ نرم ۳: نبرد در عصر اطلاعات»، تهران، موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
۹. عرفانی، فرهاد. (۱۳۸۸). «تروریسم چیست؟»، ماهنامه چیستا، شماره ۲۶۳، صص ۷۶ - ۷۸.
۱۰. قوام، عبدالعلی. (۱۳۸۴). «از دیپلماسی مدرن به دیپلماسی رسانه‌ای»، فصلنامه پژوهش حقوق و سیاست، دوره ۷ شماره ۱۷، صص ۷ - ۱۹.
۱۱. کریمی، یوسف. (۱۳۷۲). «جنگ روانی غرب علیه ایران»، فصلنامه سیاست دفاعی، شماره ۷۲، صص ۸۱ - ۸۷.
۱۲. کلاتری، فتح‌اله. (۱۳۹۵). «مشخصات جنگ احتمالی آینده علیه ج.ا.ایران و راهبردهای مقابله با آن»، فصلنامه راهبرد دفاعی، شماره ۴، دوره ۱۴، صص ۱۰۳ - ۱۳۱.
۱۳. مارتین، لینور جی. (۱۳۸۳). «چهره جدید امنیت در خاورمیانه»، قدیر نصری، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی

۱۴. ماه پیشانیان، مهسا. (۱۳۸۹). «سلاح های رسانه ای ایالات متحده در جنگ نرم با جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه عملیات روانی، سال هفتم، شماره ۲۷، صص ۱۶۲ - ۱۸۳.
۱۵. مرادی، حجت اله. (۱۳۹۱). «سخن سردبیر: جنگ رسانه ای و کنترل افکار عمومی»، فصلنامه مطالعات عملیات روانی، شماره ۳۲، صص ۱-۴.
۱۶. ملکوتی، علی. (۱۳۹۴). «مصرف کالای ایرانی؛ راهکار مبارزه در جنگ اقتصادی»، ماهنامه مبلغان، شماره ۱۹۲، صص ۶۵ - ۷۴.
۱۷. موسویان، سیدحسین. (۱۳۹۴). «ایران و آمریکا، گذشته شکست خورده و مسیرآشتی»، تهران، تیسرا.
۱۸. نصری، قدیر. (۱۳۸۶). «روش شناخت در مکتب نورنالیسم»، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۳۶، صص ۲۱۵ - ۲۳۸.
۱۹. نفیو، ریچارد. (۱۳۹۷). «هنر تحریم ها؛ نگاهی از درون میدان»، تهران، مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی.

۱. Alen, Dupont. (۲۰۰۷). "Transformation or Stagnation? Rethinking Australia's Defense", Australian Security in the ۲۱st century lecture, Parliament House, Canberra, November ۱۳, ۲۰۰۲. Accessed at: [www.nrcltd.org.au/updated_documents/ACF۲۰D.doc_on_Novamber ۱۸, ۲۰۰۷](http://www.nrcltd.org.au/updated_documents/ACF۲۰D.doc_on_Novamber_۱۸_۲۰۰۷).
۲. Boot, Max. (۲۰۰۶). "War madenew: technology, warfare, and the course of history: ۱۵۰۰ to today" (Newyork: Gotham mooks. October ۲۰۰۶) and Colin Gray, another Bloody century: future warfare.
۳. Gardner, Hall. (۲۰۱۵). "Hybrid Warfare: Iranian and Russian Versions of "Little Green Men" and Contemporary Conflict". NATO Defense College, Rome.
۴. General James t. Conway. (۲۰۰۷). "USMC", Admiral Gary Roughead, USN and Admiral Thad W.Allen. USCG, "Acooperative Strategy for maritime security", Washington, D.C. October ۲۰۰۷.
۵. Hoffman, Frank G. (۲۰۰۷). "Conflict in the ۲۱st century: The rise of hybrid wars" (Arlington, VA: The Potomac institute for policy studies, December ۲۰۰۷), ۸.
۶. Hoffmam, Frank G. (۲۰۰۸). "Wars like no other, briefing slides", Carlisle Barracks, PA, U.S army war college, April ۲۱, ۲۰۰۸.
۷. Hoffman. Frank G. (۲۰۰۹). "Hybrid Warfare and Challengers, joint forces quarterly" (۱st quarter ۲۰۰۹) : ۳۶.

- λ. Huovinen, P. (2011). "Hybrid warfare—Just a twist of compound warfare. Views on warfare from the United States Armed Forces perspective", Helsinki: National Defense University.
9. Kolin, Hey. (2022). "Political Analysis", London, Palgrave
10. Mao, Tse-tung. (1954). "On the protracted war", vol 2, selected works (Newyork: international publishers, 1954): 180.
11. Qiao Liang and Wang Xiagsui. (1999). "Unrestricted Warfare, Beijing", PLA literature and arts publishing house.



The effect of the hybrid war between the United States of America and the Islamic Republic of Iran on the security of Middle East (۲۰۱۵-۲۰۲۳)

Mojtaba Chenari^۱ | Hossein Karimifard^۲ | Fereydoun Akbarzadeh^۳ | Shahram Fattahi^۴

Abstract

The relations between the United States and the Islamic Republic of Iran became very tense since the Islamic Revolution and the hostility between the two countries was revealed. With the increase of Iran's power and the strategic importance of the Middle East region, various countries and people of this region have been influenced by the policies of both sides and have played a role as collaborators or allies in this conflict. Currently, a new model of war, i.e. hybrid war, which is a combination of military, insurgency, terrorism, psychological, cyber, economic and media warfare, is being developed. The question of this research is what is the effect of this conflict on the countries of the region and their role in the hybrid war between America and Iran? The research method of the present article is descriptive-explanatory and the data were collected using the library method, the hypothesis is that the change in the geography of the conflict between America and Iran to the Middle East has caused the countries of the region to participate in this war. The findings of the research show that both countries influence policies and crises in the region with the tools of hybrid warfare, and sometimes they use a third country to hit each other.

Keywords: Iran, America, War, hybrid war, security, Middle East.

^۱. PhD student, Department of political Science, International Relations, Ahvaz branch, Islamic Azad University, Ahvaz, Iran.

^۲. Associate professor, Department of political Science, Ahvaz Branch, Islamic Azad University, Ahvaz, Iran. (Corresponding Author) EmailAddress:hkarimifard@yahoo.com

^۳. Assistant professor, Department of political Science, Ahvaz Branch, Islamic Azad University, Ahvaz, Iran.

^۴. Assistant professor, Department of International Relations, Kermanshah Branch, Islamic Azad University, Kermanshah, Iran.